

A Comparative Study of Defects in Ablution with an Approach to the Views of Imam Khomeini and the Sunni Schools of Jurisprudence

Mohammad Ghodrati Shatouri^{1*}, Mohsen Esmaeili²

1. Corresponding author: PhD , Jurisprudence and Fundamentals of Law and Thought of Imam Khomeini (RA)
Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution, Tehran ,Iran. Email: ghodrati@ri-khomeini.ac.ir
2. Professor, Faculty of Law and Political Science-University of Tehran, Tehran, Iran. Email:esmaeili1344@ut.ac.ir

Abstract

Ablution (wuḍū'), as the most important form of legal purification, occupies a central position in Islamic jurisprudence, and any defect in its components or conditions can lead to its invalidity or to a mismatch between the "performed ablution" (wuḍū' mā' tī bih) and the "required ablution" (wuḍū' mā' mūr bih). The present study, using a descriptive-analytical method with a comparative approach and employing library-based tools, examines the various types of defects in ablution with a focus on the views of Imam Khomeini and compares them with the four Sunni schools of jurisprudence (Hanafi, Maliki, Shafi'i, and Hanbali). The findings show that Imam Khomeini, by relying on the principles of al-maysūr, al-farāgh, and al-tajāwuz, distinguishes between defects that are intentional, inadvertent, or caused by excusable ignorance. In contrast, Sunni jurists hold different views on matters such as intention, sequence, continuity, bandaging, and dissimulation (taqiyya). The most important points of divergence are as follows: regarding intention and sequence, three schools (except the Hanafi) agree with Imam Khomeini; regarding continuity, the Maliki and Hanbali schools are aligned with him; regarding bandaging, all schools agree on the permissibility of wiping; however, in the matter of the manner of wiping the head, the Maliki and Hanbali schools consider complete coverage obligatory, whereas Imam Khomeini and the Shafi'i school consider any amount sufficient. Moreover, in the matter of the feet, Imam Khomeini holds that wiping is required, while all Sunni schools consider washing the feet obligatory. In addition, dissimulation and wiping over leather socks (khuffayn) in Imami jurisprudence are regarded as valid and sufficient based on specific evidences, whereas such an extension does not exist in Sunni jurisprudence.

Keywords: Defect, Ablution, Imam Khomeini, Four Sunni Schools, Principle of al-Maysūr, Principle of al-Farāgh and al-Tajāwuz

بررسی تطبیقی خلل در وضو با رویکردی بر آرای امام خمینی^(ره) و مذاهب اهل سنت

محمد قدرتی شاتوری^{۱*}، محسن اسماعیلی^۲

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق واندیشه امام خمینی(ره)، پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

ghodrati@ri-khomeini.ac.ir

۲. استاد، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: esmaeili1344@ut.ac.ir

چکیده

وضو به عنوان مهم ترین طهارت شرعی، از جایگاهی محوری در فقه اسلامی برخوردار است و هرگونه خلل در اجزا و شرایط آن می تواند موجب بطلان یا عدم انطباق «وضوء مأتی به» با «وضوء مأمور به» گردد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی تطبیقی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای، انواع خلل در وضو را با محوریت آرای امام خمینی و تطبیق آن با مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) بررسی کرده است. یافته ها نشان می دهد که امام خمینی با تمسک به قواعد میسور، فراغ و تجاوز، میان خلل عمدی، سهوی و ناشی از جهل قصور تفصیل قائل می شود. در مقابل، فقهای اهل سنت در مواردی چون نیت، ترتیب، موالات، جبیره و تقیه دیدگاه های متفاوتی دارند. مهم ترین نقاط افتراق عبارت است از: در نیت و ترتیب، سه مذهب (جز حنفی) با امام هم رأی هستند؛ در موالات، مالکیه و حنابله با ایشان همسو می باشند؛ در جبیره همه مذاهب بر جواز مسح اتفاق دارند؛ اما در مسئله کیفیت مسح سر، مالکیه و حنابله استیعاب کامل را واجب می دانند در حالی که امام خمینی و شافعی هر مقدار را کافی می شمارند. همچنین در مسئله پا، امام خمینی قائل به مسح است در حالی که همه مذاهب اهل سنت غسل پا را واجب می دانند. افزون بر این، تقیه و مسح بر خفین در فقه امامیه با استناد به ادله خاص صحیح و مجزی دانسته شده، در حالی که در فقه اهل سنت چنین بسطی ندارد.

کلید واژگان: امام خمینی، خلل، قاعده میسور، قاعده فراغ و تجاوز، مذاهب اربعه اهل سنت، وضو.

مقدمه

وضو به عنوان مهم‌ترین طهارت شرعی، از جایگاهی محوری در فقه اسلامی برخوردار است. خداوند متعال در آیه «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (مائده، ۶) ارکان و چگونگی آن را تبیین فرموده و فقیهان همواره بر آن بوده‌اند تا شرایط صحت و عوامل بطلان آن را تبیین کنند. وضو علاوه بر اینکه مقدمه برای نماز و طواف است، خود نیز عملی عبادی، امری وجودی و مرکب از اجزاء (غسلات و مسحات) و مشروط به شرایطی (مانند نیت، ترتیب، موالات) می‌باشد. از این رو، هرگونه خلل خواه عمدی، خواه سهوی و ناشی از جهل در این اجزاء و شرایط، می‌تواند موجب عدم انطباق «وضوء مأتی به» با «وضوء مأمور به» واقعی شده و در نتیجه، تأثیر مستقیم بر صحت و بطلان آن داشته باشد (ر.ک: خمینی، ۱۴۲۲، صص ۵۷۳، ۵۶۵، ۳۵۷، ۳۴۳، ۲۶۷).

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که انواع خلل در وضو از دیدگاه امام خمینی چه حکمی دارند و آیا قواعدی همچون قاعده میسور، قاعده فراغ و تجاوز می‌تواند در موارد خاص، حکم به صحت وضو را توجیه کند؟ افزون بر این، با توجه به اختلاف فتاوی فقهی در میان مذاهب اسلامی، این پرسش مطرح می‌شود که فقهای چهار مذهب اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) در مصادیق مشابه خلل چه موضعی دارند و نقاط اشتراک و افتراق آرای آنان با نظرات امام خمینی در کدام موارد نمود بیشتری دارد؟ با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه احکام وضو، همچنان این پرسش مطرح است که آیا قواعد فقهی مانند میسور، فراغ و تجاوز در فقه اهل سنت نیز پذیرفته شده است یا خیر؟ و آیا تقیه در وضو در مذاهب اهل سنت سابقه دارد؟ مقاله حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌ها و تبیین نقاط اشتراک و افتراق فریقین در این زمینه است.

ضرورت پرداختن به این موضوع از آن روست که وضو عملی روزمره و همگانی است و بسیاری از مکلفان در عمل با مسائلی مانند شک در اعضا، وجود مانع بر اعضا، یا لزوم وضو در شرایط اضطرار و تقیه مواجه می‌شوند. بنابراین، تبیین دقیق احکام خلل در وضو بر اساس منابع معتبر فقهی و تطبیق آن با دیدگاه‌های مذاهب مختلف، می‌تواند راهگشای بسیاری از شبهات و وسواس عملی باشد. بنابراین هدف اصلی این تحقیق، تحلیل فقهی انواع خلل در وضو با محوریت آرای امام خمینی و تطبیق آن با فقهای اهل سنت است تا ضمن تبیین موضع فقهی هر یک، زمینه برای درک بهتر مشترکات فقهی و کاهش اختلافات عملی فراهم آید.

پیشینه پژوهش

بررسی منابع نشان می‌دهد تاکنون پژوهش مستقلی که جامعاً به موضوع «خلل در وضو» با محوریت آرای امام خمینی و تطبیق با مذاهب چهارگانه اهل سنت پرداخته باشد، صورت نپذیرفته است. آثار مرتبط در دو گروه قابل دسته‌بندی است:

الف- پژوهش‌های مرتبط با خلل در سایر عبادات: روحانی و علیزاده (۱۳۹۶) در مقاله «الخلل فی الغسل» انواع خلل را در باب غسل بررسی کرده‌اند، اما به تفاوت آن با وضو و کاربرد قواعد میسور و فراغ در وضو نپرداخته‌اند. افضلی قادی (۱۴۰۱) در مقاله «واکاوی خلل در نیت نماز» تأثیر خلل در نیت را بررسی کرده، اما به عبادت غیر از وضو پرداخته است.

ب- پژوهش‌های تطبیقی در احکام وضو: ابراهیمی فخاری و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی تطبیقی معنای «إلی» در آیه وضو از دیدگاه فریقین» به معنای «إلی» و تأثیر آن بر کیفیت شستن دست‌ها و وجوب مسح یا غسل پا پرداخته، اما به احکام ثانویه و موارد عذر و اضطرار توجه نکرده است. رجایی (۱۴۰۴) در مقاله «نقد و بررسی نظرات تفسیری - فقهی پیرامون آیه وضو در مذاهب

خمسه» نظرات شش گانه درباره اعراب «ارجلکم» را دسته بندی کرده، ولی به موضوع خلل نپرداخته است. رضوان طلب (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی تطبیقی آیین وضو» و میری (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی تطبیقی آیه وضو از نگاه فریقین» مباحث ترتیب، موالات، مسح سر و شستن پاها را بررسی کرده اند، اما از قواعد ثانویه مانند میسور، فراغ و تجاوز غافل مانده اند. حسینی (۱۳۸۸) در مقاله «وضو از دیدگاه مذاهب اسلامی» نیز صرفاً به گردآوری توصیفی دیدگاه های مذاهب خمسّه پرداخته و جنبه تحلیلی ندارد. بنابراین، علی رغم آثار ارزشمند پیشین، هیچ پژوهش یکپارچه ای با رویکرد تطبیقی و محوریت آرای امام خمینی به بررسی نظام مند «انواع و مصادیق خلل در وضو» نپرداخته است. نوآوری مقاله حاضر، دسته بندی خلل های وضو از منظر قواعد فقهی حاکم (میسور، فراغ، تجاوز و تقیه) و تطبیق آن با مذاهب چهارگانه، همراه با پرداختن به شرایط خاصی مانند عذر، اضطراب، جهل، نسیان و تقیه، و تبیین نقاط اشتراک و افتراق فقهی در این موارد است.

۱. مبانی نظری

در این بخش، مفاهیم پایه ای وضو و خلل از نظر لغوی و اصطلاحی، اقسام خلل از منظر امام خمینی، قواعد فقهی حاکم بر صحت و بطلان وضو و نیز جایگاه تقیه در فقه وضو تبیین می شود. این مبانی، چارچوب نظری لازم برای تحلیل مصادیق خلل در قسمت دوم پژوهش را فراهم می آورد.

۱-۱. مفهوم وضو

در لغت به معنای «نظافت و پاکیزگی» است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۸۹) و در اصطلاح فقهی به معنی شستن صورت و دست ها (غسلتان) و مسح سر و پاها (مسحنتان) طبق دستوری که شارع مقدس اسلام فرموده است، می باشد (فلاح زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۴).

۱-۲. مفهوم خلل

خلل در لغت به معنای شکاف بین دو چیز، فساد در امر، وهن، نقص و اضطراب آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۱۳؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۶۸۷). برخی لغویان بر این عقیده اند که خلل به معنای انفراج و گشادگی، و نیز نقص و احتیاج از مصادیق آن است. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۱۲۰)

در اصطلاح فقه، خلل به آسیب ها و صدماتی گفته می شود که بر ماهیات مرکب اعتباری اعم از عبادات یا معاملات وارد می شود و موجب می گردد که مآئی به با مأموریه مطابقت نداشته باشد، اعم از اینکه موجب بطلان یا عدم بطلان آن گردد (خمینی، ۱۳۸۴، ص ۹). امام خمینی در تعریف خلل می فرماید: «هرگاه در ماهیت ترکیبی اعم از حقیقی یا اعتباری چیزی ذکر شود، در آن خلل پیش می آید. به عنوان مثال، اگر ساختمانی را فرض کنیم که فساد در آن یا در بدنه ساختمان یا از جهت عوارض دیگر وارد شود، دچار خلل شده است» (خمینی، ۱۳۸۴، ص ۹).

۱-۲-۱. اقسام خلل

امام خمینی اقسام خلل را به شرح زیر تقسیم بندی می کند. نخست، خلل عمدی که خود بر سه قسم است: الف) خلل از روی علم و عمد خواه به نقیصه باشد یا به زیاده که موجب بطلان عمل است. ب) خلل از روی علم و عمد همراه با تقیه که به دلیل خوف و اضطراب واقع می شود و بر مبنای حدیث رفع (فقره ما اضطروا الیه) موجب بطلان نیست. ج) خلل از روی علم و عمد همراه با اکراه که بر مبنای فقره «ما اکرهوا علیه» در حدیث رفع، موجب بطلان نیست. دوم، خلل از روی جهل که بر دو قسم است: الف)

جهل قصور: خلل ناشی از جهل به حکم یا موضوع که به دلیل فقره «ما لایعلمون» در حدیث رفع، حکم به صحت عمل می‌شود. (ب) جهل تقصیری: شخص با علم اجمالی به شرایط اقدام به عمل کرده است؛ در این صورت حدیث رفع شامل او نمی‌شود و عمل باطل است. سوم، خلل سهوی که احکام آن حسب مورد و با توجه به قاعده تجاوز و قاعده فراغ بررسی می‌شود (خمينی، ۱۳۸۴، ص ۱۴-۲۵).

۱-۳-۱. قواعد فقهی حاکم بر خلل در وضو

در این بخش، مهم‌ترین قواعد فقهی که در تشخیص صحت و بطلان وضو در موارد خلل نقش دارند، تبیین می‌گردد.

۱-۳-۱. قاعده میسور

قاعده میسور در فقه امامیه از قواعد مسلم و پرکاربرد فقهی است که بر اساس آن، هرگاه مکلف نتواند تمام یک عمل شرعی را به طور کامل انجام دهد، باید به مقدار ممکن از آن را انجام دهد و ساقط شدن بخش معسور، موجب سقوط بخش میسور نمی‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۹). مستندات این قاعده در فقه امامیه عبارت است از: آیات قرآن مانند «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن/۱۶) و «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/۱۸۵)، روایات نبوی مانند «إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۱ (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۳۲۱)، سیره عقلاء و اجماع فقها (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۴۸-۵۴۰). مشهور فقهای امامیه با استناد به شهرت روایی و فتوایی و همچنین قاعده «المیسور لا یسقط بالمعسور»، این قاعده را در ابواب مختلف فقه از جمله طهارت، نماز، حج و روزه جاری دانسته‌اند و آن را از اصول مسلم فقهی به شمار آورده‌اند (مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۲۹۱-۲۹۰؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۷۰-۴۶۴).

۱-۳-۱. مجرای قاعده میسور

امام خمینی قاعده میسور را در موارد زیر جاری می‌داند:

- الف- قطع عضو: در صورت قطع دست، مکلف بقیه اعضای موجود را می‌شوید و وضوی او صحیح است؛ زیرا مقدار موجود از عضو شسته می‌شود و نسبت به عضو فاقد وجود خارجی، تکلیفی متوجه مکلف نیست (خمينی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷).
- ب- وجود مانع غیرقابل برداشتن: اگر بر عضوی مانعی مانند چسب، گچ یا پانسمان باشد که برداشتن آن ممکن نیست یا موجب ضرر می‌شود، مکلف بر همان مانع مسح می‌کند (وضو بر جبیره) (خمينی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷؛ خمينی، ۱۴۲۲، ص ۴۳۳).
- ج- کمبود آب: اگر آب موجود برای شستن تمام اعضای وضو کافی نباشد، مکلف با همان مقدار موجود وضوی ناقص انجام داده و سپس تیمم می‌نماید (خمينی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷).
- د- فاقد الطهورین: در فرض عدم دسترسی به آب و خاک، امام خمینی با استناد به قاعده میسور، نماز را ساقط نمی‌داند و معتقد است مکلف به هر نحو ممکن (مانند نماز بدون طهارت در حالت اضطرار) وظیفه خود را انجام می‌دهد؛ چراکه طهارت در حالت عذر و اضطرار شرطیت خود را از دست می‌دهد (خمينی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۸-۲۰۹).

^۱ - روایات، هرچند از نظر سند ضعیف اند، لیکن شهرت آنها میان فقها و استفاده از آنها در ابواب مختلف عبادات، جبران کننده ضعف سند آنها است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۴۳۵).

ه- بیماری و ضرر استعمال آب: اگر استفاده از آب موجب ضرر بدنی، تشدید بیماری یا طولانی شدن درمان شود، بسته به نوع و شدت بیماری، یا مسح بر جبیره جایگزین شستن عضو می شود و یا در صورت تعمیم ضرر، تیمم جایگزین وضو می گردد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷).

بنابراین قاعده میسور در فقه وضو جایگاه ویژه ای دارد و مبنای امام آن است که در موارد عذر و اضطرار، تکلیف به مقدار ممکن تنزل می یابد نه اینکه ساقط شود. تفاوت اساسی آنکه در خلل وضو، قاعده میسور به تصحیح عمل ناقص می انجامد (مانند شستن عضو باقی مانده یا مسح بر جبیره)، اما در خلل طهارت (فقدان آب یا ضرر استعمال)، موجب انتقال به تیمم می شود؛ بنابراین قاعده میسور در هر دو حوزه جاری است، اما کارکرد آن متفاوت است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷).

۱-۳-۲. قاعده میسور از دیدگاه اهل سنت

قاعده «المیسور لا یسقط بالمعسور» در فقه اهل سنت به عنوان یکی از قواعد مشهور و مسلم فقهی شناخته شده است. بنابر دیدگاه فقهای اهل سنت این قاعده از مشهورترین قواعد استنباط شده از حدیث نبوی «إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (این آبی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۵۸) و آیه شریفه «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» دانسته شده است (سبکی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۵۵؛ زحیلی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۷۶۱؛ آل بورنو، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۵۰-۴۹). مفاد قاعده آن است که «آنچه برای مکلف ممکن است، باید انجام دهد و آنچه ممکن نیست، ساقط می شود، اما سقوط قسمت معسور، موجب سقوط قسمت میسور نمی شود» (آل بورنو، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۱۵۵). کاربردهای این قاعده در ابواب طهارت و وضو از دیدگاه مذاهب اهل سنت عبارت است از: اگر عضوی از اعضای وضو قطع شده باشد، باقی مانده آن شسته می شود (زحیلی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۷۶۱)؛ اگر بر برخی از اعضای بدن مانعی برای رسیدن آب وجود داشته باشد (جبیره)، عضو سالم شسته شده و بر جبیره مسح می گردد (سبکی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۵۵)؛ و کسی که از انجام تمام غسل جنابت عاجز است، به مقدار ممکن انجام می دهد (زحیلی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۷۶۱). همچنین در کمبود آب، در مذهب شافعی قول اصح، وجوب استعمال آب موجود است، اما حنفیه و مالکیه قائل به تیمم هستند (زحیلی، ۱۴۲۷، ص ۷۶۳).

۱-۴. قاعده فراغ و تجاوز

قاعده فراغ به این معناست که اگر شخص پس از اتمام یک عمل، در صحت آن یا در انجام جزء یا شرطی از آن شک کند، بنا را بر صحت می گذارد و به شک خود اعتنا نمی کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۲). قاعده تجاوز نیز به این معناست که اگر شخص از جزء یا شرطی از عمل تجاوز کرده و وارد جزء یا شرط بعدی شده باشد، سپس در صحت انجام جزء یا شرط سابق شک کند، بنا را بر صحت می گذارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۲). تفاوت آن دو در این است که قاعده تجاوز در میانه عمل و قاعده فراغ پس از اتمام عمل جاری می شود.

مهم ترین مستند این قواعد، روایات متعدد از اهل بیت علیهم السلام از جمله روایت صحیح السند زراره از امام باقر علیه السلام است که می فرماید: «هرگاه در چیزی از وضو شک کردی و از آن تجاوز کرده ای، به آن بازنگرد و بر یقین بنا کن» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۸۴).

به نظر می رسد امام خمینی قلمرو قاعده تجاوز و فراغ در وضو را محدود به اجزای اصلی و فرائض وضو (صورت، دست ها، مسح سر و پاها) می داند. ایشان تأکید می کند که اوصاف و شرائط وضو (مانند ترتیب، موالات، شرایط آب، نیت و ...) از تحت این

قاعده خارج هستند. به این معنا که اگر کسی در مورد رعایت ترتیب یا موالات یا شرطیت آب مطلق شک کند، نمی‌تواند به قاعده تجاوز تمسک کند و باید احتیاط نماید (خمینی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۷۲).

۱-۴-۱. مجرای قاعده و مستثنیات

قاعده فراغ و تجاوز زمانی جاری می‌شود که شخص از محل شک تجاوز کرده باشد؛ اما اگر شک پیش از تجاوز باشد، باید آن جزء را انجام دهد. بر این اساس، امام خمینی تصریح می‌کند که اگر شخص بداند عضوی را نشسته یا مسح نکرده است، در صورتی که موالات از بین نرفته باشد، باید آن عضو را شسته یا مسح کند و سپس وضو را ادامه دهد، اما اگر موالات از بین رفته باشد، باید وضو را از سر بگیرد. همچنین اگر پیش از اتمام وضو، در فعلی از افعال آن شک کند، باید با رعایت ترتیب و موالات، آن را به جا آورد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۰).

امام موارد زیر را از قلمرو قاعده فراغ و تجاوز خارج می‌داند: نخست، کثیرالشک (وسواسی) که نباید به شک خود اعتنا کند، اما این حکم ناشی از قاعده فراغ و تجاوز نیست بلکه حکم مستقلی است که برای رفع وسواس تشریع شده است. دوم، شک در اصل وضو: اگر شخص شک کند که آیا اصلاً وضو گرفته است یا نه، قاعده فراغ جاری نمی‌شود و باید وضو بگیرد. سوم، علم اجمالی به نقص: اگر شخص علم اجمالی داشته باشد که با عضوی را نشسته یا ترتیب را رعایت نکرده است، قاعده تجاوز جاری نمی‌شود و باید احتیاط کند. چهارم، فاصله طولانی عرفی: اگر بین انجام اجزا فاصله طولانی بیفتد به طوری که عرفاً وضو منقطع محسوب شود، قاعده تجاوز جاری نمی‌شود. (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۱-۴۲) پنجم، شک در نفوذ آب به زیر حائل: اگر شخص پس از وضو شک کند که آیا آب به زیر حاجبی که احتمال می‌رود مانع رسیدن آب باشد نفوذ کرده است یا نه، به شرطی که هنگام وضو نسبت به آن حاجب التفات و توجه نداشته باشد، قاعده فراغ جاری نمی‌شود (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۷۱).

۱-۴-۲. مقایسه اجمالی با مذاهب اهل سنت

در مذهب حنفی، قاعده «الیقین لا یزول بالشک» جاری است و قاعده تجاوز به معنای مستقل امامیه پذیرفته نشده است (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۱). از دیدگاه حنفیه این قاعده از امهات قواعد فقهی به شمار می‌رود که احکام فقهی بر آن مدار دارد (زرقا، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷۹). به عنوان نمونه، برخی فقهای حنفی در مواردی که^۱ شک در خروج ناقض وضو وجود دارد، به قاعده «الیقین لا یزول بالشک» تمسک کرده و حکم به عدم نقض وضو داده‌اند (زلیعی، ۱۳۱۳، ج ۱، ص ۸). در مذهب مالکی، اگر در اثنا شک کند و از آن تجاوز کرده باشد، به شک اعتنا نمی‌کند (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۲). همچنین مشهور در مذهب مالکی آن است که اگر کسی یقین به طهارت داشته باشد و در حدث شک کند، باید وضو را اعاده کند؛ زیرا ذمه به طهارت مشغول است و جز با یقین بری نمی‌شود. همچنین اگر یقین به حدث داشته باشد و در طهارت شک کند، باز هم باید وضو بگیرد (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۶؛ زحیلی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۹۶).

^۱ - از جمله در مورد زن مفضاضه که به دلیل شک در خروج رطوبت از مجرای غائط، وضو را مستحب میدانند نه واجب.

در مذهب شافعی، قاعده تجاوز به معنای نزدیک به امامیه پذیرفته شده است (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۸۷). از جمله مصادیق آن، اگر شخص در مسح سر شک کند که آیا مسح کرده یا نه، در صورتی که از آن تجاوز کرده باشد، دو قول وجود دارد که قول اصح بر صحت وضو است و نمی‌توان گفت: «اصل، عدم مسح است» (زحیلی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۹۶). در مذهب حنبلی، قاعده تجاوز و فراغ به طور گسترده پذیرفته شده و نزدیک‌ترین مذهب به امامیه در این زمینه است (مرداوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۱). از جمله مبانی این قاعده در مذهب حنبلی آن است که اگر شخص در تعداد دفعات شستن اعضای وضو شک کند، بر اساس قاعده «الیقین لا یزول بالشک» بر عدد کمتر بنا می‌نهد؛ مگر اینکه قرینه‌ای بر خلاف آن وجود داشته باشد که در این صورت بر اساس آن قرینه عمل می‌کند (حازمی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳).

۱-۵. تقیه

تقیه از مفاهیم کلیدی در فقه امامیه است که در موارد اضطرار و حفظ جان، مال یا آبرو، انجام برخی اعمال طهارت (مانند وضو) را به صورت متفاوت با وظیفه اولیه جایز می‌شمرد (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۱۳-۱۲). از آنجا که خلل عمدی در وضو غالباً موجب بطلان است، اما تقیه می‌تواند به عنوان عذر شرعی، حکم بطلان را رفع کند، تبیین جایگاه آن در فقه وضو ضروری می‌نماید. بر اساس روایت صحیح‌السند زراره از امام صادق (ع) که می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ لَا أَتَّقِي فِيهِنَّ أَحَدًا شُرْبُ الْمُسْكِرِ وَ مَسْحُ الْخُفَّيْنِ وَ مُتَعَةُ الْحَجِّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۳)، سه چیز است که در آنها از هیچ کس تقیه نمی‌کنم: شرب مسکر، مسح بر خفین، و متعه حج. امام خمینی در مقام افتا این اطلاق را مقید به عدم خوف ضرر می‌کند و می‌فرماید: اگر امر دایر میان کشته شدن و انجام این اعمال باشد، انجام آنها (مانند مسح بر خفین) نه تنها جایز، بلکه متعین است. بنابراین، در موارد خوف ضرر جانی، حتی این سه مورد نیز مشمول عمومات تقیه قرار می‌گیرند (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۵۳۴). از دیدگاه ایشان، وضوی تقیه‌ای (هرچند مخالف وظیفه اولیه باشد) صحیح بوده و حدث را برطرف می‌کند (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۹۳-۹۲).

از منظر امام خمینی ظاهر آن است که ادله می‌توانند صحت وضوی تقیه‌ای را اثبات کنند. پس حلیت و جواز وضعی در وضو... به معنای صحت و تمامیت آن است، و هنگامی که وضو صحیح و کامل باشد، حدث را برطرف می‌کند (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۹۳). بنابراین وضویی که در تقیه با غسل رجليں (به جای مسح) یا مسح بر خفین انجام شود، از نظر ایشان صحیح بوده و حدث را برطرف می‌کند. مصادیق آن عبارت است از: مسح بر خفین، غسل رجليں به جای مسح، تکرار سه باره اعضا، وضو با نیت. موارد استثنا نیز عبارت است از: مسح بر خفین در تقیه مداراتی (بدون ترس) جایز نیست، وضوی مخفیانه ممکن که تقیه جایز نیست، و ارتکاب حرام قطعی دیگر جایز نیست (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۱۳-۱۲ و ۷۸-۷۷).

۱-۵-۱. مقایسه اجمالی با مذاهب اهل سنت

مفهوم تقیه در منابع معتبر فقهی و تفسیری اهل سنت دارای پیشینه و مشروعیت است. در تعریف آن، تقیه به «گفتن سخنی بر خلاف اعتقاد از ترس جان» (طبری، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۲۹)، «حفظ نفس با تظاهر به خلاف اعتقاد باطنی» (سرخسی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۴۵)، و «ترس از اظهار آنچه در دل است» (ابن حجر، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۱۴) معنا شده است. فقهای مذاهب چهارگانه نیز به مشروعیت آن فتوا داده‌اند؛ چنان‌که ابن‌بطل مالکی ادعای اجماع کرده که شخص مضطر در گفتن کفر، گناهی ندارد (ابن‌بطل، ۱۴۲۳، ج ۸، ص ۲۹۱) و نووی شافعی در موارد خوف از جان، دروغ گفتن برای نجات مظلوم را واجب شمرده است (نووی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۲۹۱).

ص ۱۲۴). بنابراین تقیه در فقه اهل سنت جایز و مشروع است و ممکن است عدم اشاره به تقیه در بحث وضو توسط فقهای اهل سنت عدم ابتلا به آن باشد.

۲. مصادیق خلل در وضو

در این بخش، مهم‌ترین مصادیق خلل در وضو بر اساس آرای امام خمینی بررسی می‌شود. در هر مورد، علاوه بر فتاوی فقهای امام خمینی، دیدگاه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت به صورت تطبیقی ارائه می‌شود.

۱-۲. خلل در نیت

نیت از مهم‌ترین شروط صحت وضو در فقه امامیه و اکثر مذاهب اهل سنت (جز حنفیه) به شمار می‌رود. هرگونه خلل در نیت چه از حیث قصد قربت، چه به واسطه ریا، چه از باب عدول از نیت و چه در استدامه آن می‌تواند موجب بطلان وضو گردد.

۱-۱-۲. جایگاه نیت در وضو

امام خمینی نیت را «قصد فعل به مدافعت امثال امر مولى» تعریف کرده (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸؛ خمینی، ۱۴۲۲، ص ۳۴۳) و تأکید دارد که نیت امری قلبی است؛ تلفظ ربانی معتبر نیست و داعی و انگیزه نفسانی کفایت می‌کند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸). زمان نیت، هنگام شروع به وضو و پیش از شستن صورت است و مقارنت با اولین جزء واجب (شستن صورت) لازم است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۴؛ خمینی، ۱۴۲۲، ص ۳۴۸). در کیفیت آن، اراده اجمالی نفسانی کافی است؛ به گونه‌ای که اگر از او سؤال شود، بگوید وضو می‌گیرم (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸؛ خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۳). نیز در حاشیه بر عروه الوثقی می‌فرماید نیت وجوب (قصد انجام وضو به دلیل وجوب شرعی) معنا ندارد؛ زیرا وجوب شرعی مقدمی برای وضو ثابت نیست. بنابراین در صحت وضو، قصد قربت و امتثال امر الهی کافی است و نیاز به نیت وجوب یا ندب نیست (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۶۱). مشهور فقهای امامیه نیت را شرط صحت وضو می‌دانند نه جزء آن (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۰). امام خمینی در شرایط نماز می‌فرماید: «من الشروط الثبوتية و قد ادّعى الإجماع على بطلان الصلاة بالإخلال بها» (خمینی، ۱۳۸۴، ص ۶۱). هرچند این عبارت در خصوص نماز است، وضو نیز به عنوان عبادت و مقدمه نماز، مشمول همین حکم است و خلل در نیت آن موجب بطلان است؛ مؤید آنکه امام نیت را از شرایط وضو شمرده است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶).

در مقابل، حنفیه نیت را در وضو واجب نمی‌دانند و مستحب می‌شمارند؛ از دیدگاه ایشان، صرف شستن اعضا با آب، حتی بدون نیت، موجب رفع حدث می‌شود (سرخسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹؛ کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۹-۳۷۸). اما جمهور اهل سنت (مالکیه، شافعیه، حنابله) نیت را واجب می‌دانند (مرداوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۸؛ ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸۷؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۹۴).

۲-۱-۲. قصد قربت

قصد قربت به معنای انجام عمل صرفاً برای خشنودی خداوند و بدون هیچ انگیزه دیگری است. این اصل در آیه شریفه «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (بینة، ۵) تأکید شده است (خمینی، ۱۳۸۴، ص ۷۴). امام خمینی تصریح می‌کند که در صحت وضو، قصد قربت کافی است و قصد وجوب یا استحباب (چه به نحو وصفی و چه به نحو غایی) واجب نیست. بنابراین اگر شخص قصد قربت داشته باشد، هر چند در تشخیص واجب یا مستحب بودن وضو اشتباه کند، وضوی او صحیح است (خمینی، ۱۳۸۵،

ج ۱، ص ۳۶). ایشان می‌فرماید: «اگر کسی وضو بگیرد بدون اینکه قصد امثال امر یا قربت داشته باشد، وضوی او باطل است» (خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۲).

از دیدگاه ایشان همان طور که در اول عمل نیت واجب است، ادامه نیت تا آخر آن نیز واجب است، پس اگر در بین عمل (در انجام دادن وضو) به تردید بیفتد یا نیت وضو نگرفتن نماید و با همین حال وضو را تمام کند باطل است، ولی اگر قبل از آن که موالات به هم بخورد به نیت اول خود برگردد و بقیه اعمال را به آنچه که با نیت آورده بود، ضمیمه کند وضو صحیح است. (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶)

در مذاهب اهل سنت نیز قصد قربت در وضو شرط صحت است (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۹۲؛ زحیلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۷۹). اما در مذهب حنفی نیت در هنگام شروع وضو کافی است و اگر در حین وضو نیت عوض شود، وضو باطل نمی‌شود (زحیلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۸).

۲-۱-۳. مصادیق خلل در نیت

نیت وضو علاوه بر اصل قصد قربت، ممکن است در معرض آسیب‌هایی قرار گیرد که خللی در آن پدید آورده و موجب بطلان وضو می‌شود. در ادامه، هر یک از این موارد با استناد به آرای امام خمینی و تطبیق با مذاهب اهل سنت بررسی می‌شود.

۲-۱-۳-۱. ریا

ریا یعنی انجام عمل عبادی برای جلب توجه دیگران، نه برای خداوند. امام خمینی با استناد به اینکه ریا از مصادیق «ضمیمه حرام» است، می‌فرماید: «ریا موجب بطلان عمل به صورت مطلق می‌شود؛ چه در ابتدای عمل باشد یا در اثنای آن، در اجزای واجب باشد یا مستحب» (خمینی، ۱۳۸۴، ص ۷۴؛ خمینی، ۱۴۲۲، ص ۳۷۷). از دیدگاه ایشان، اخلاص در نیت شرط صحت وضو است و ریا به هر صورت در عمل راه یابد، آن را باطل می‌کند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶). اما اگر شخص در خالصانه بودن نیت شک کند، تا زمانی که خلاف ثابت نشود، اصاله الصحه یا استصحاب اقتضای صحت و خلوص عمل را دارد و به شک اعتنا نمی‌شود (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۶۲). مصادیق ریا در وضو عبارت است از: ریا در اصل وضو، ریا در کیفیت (مانند طولانی کردن)، ریا در مکان و زمان وضو.

امام ضمیمه شدن قصد غیرالهی به نیت عبادت را به دو قسم تقسیم می‌کند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶؛ خمینی، ۱۴۲۲، ج ۱، صص ۳۷۶-۳۶۹): ضمیمه امر مباح (مانند قصد خنک شدن) که اگر در انگیزه تأثیر نداشته باشد، وضو صحیح است و اگر تأثیر داشته باشد، باطل است. و ضمیمه امر حرام (ریا) که مطلقاً و در هر مرحله‌ای موجب بطلان است.

در مذاهب اهل سنت، حنفیه نیت را سنت دانسته و استدامه آن را شرط صحت نمی‌دانند؛ از این رو ریا در اثنا موجب بطلان نمی‌شود (عینی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۳۵). اما مالکیه، شافعیه و حنابله نیت را فرض یا شرط دانسته و ریا در اثنا را موجب بطلان می‌شمارند (زحیلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۹؛ جزیری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۰۳). بنابراین مهم‌ترین نقطه افتراق، اختلاف در «وجوب استدامه نیت» است (زحیلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۸-۳۸۰).

۲-۱-۳-۲. عدول از نیت

عدول از نیت یعنی تغییر قصد در میانه عمل عبادی. امام خمینی در پاسخ به استفتایی می‌فرماید اگر شخص برای هدفی (مانند خواندن قرآن) وضو گرفت سپس از آن منصرف شد، وضو باطل نمی‌شود؛ زیرا وضو پس از آنکه به صورت صحیح واقع شده است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۶-۴۵). این حکم ناظر به عدول پس از اتمام وضو است. اما اگر عدول در میانه وضو رخ دهد و شخص وضو را رها کند یا نیت خود را به عبادت دیگر (مانند غسل) تغییر دهد، از مجموع مبانی فقهی امام بر می‌آید که وضو باطل می‌شود؛ زیرا ایشان بر لزوم موالات و استدامه نیت تأکید دارد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۴) و ریا را مطلقاً مبطل می‌داند (خمینی، ۱۳۸۴، ص ۷۴).

بنابراین عدول به عمل مباح (رها کردن وضو)، عدول به عبادت دیگر (تغییر نیت به غسل) و عدول از قصد قربت به ریا، همگی موجب بطلان وضو می‌شوند. اما اگر شخص در اثنای وضو از نیت خود عدول کرده، سپس پیش از از بین رفتن موالات، مجدداً به نیت اول بازگردد، امام خمینی در حاشیه بر عروه الوثقی می‌فرماید: آنچه را انجام داده، به همان صورت با نیت صحیح اعاده می‌کند (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۶۱). یعنی باید افعالی را که در حالت عدول انجام داده، با نیت صحیح دوباره به جا آورد و سپس وضو را ادامه دهد، مشروط بر اینکه موالات عرفی از بین نرفته باشد.

در مذاهب اهل سنت، عدول از نیت در میانه وضو موجب بطلان است، مگر اینکه غیرارادی باشد (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۰). از دیدگاه حنابله، اگر شخص نیت وضو را قطع کند و به کاری دیگر مشغول شود، وضوی او باطل است و باید از سر بگیرد (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۴). در مذهب حنفی، اگر بدون قطع نیت اصلی، قصد دیگری ضمیمه شود (مانند قصد تبرّد همراه با قصد قربت)، وضو صحیح است؛ اما اگر نیت اصلی کاملاً منصرف شود، باطل است (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۸).

۲-۳-۱-۳. عدم استدامه نیت

استدامه نیت به معنای بقای قصد و اراده تا پایان عمل عبادی است. امام خمینی می‌فرماید: «همان طور که در اول عمل نیت واجب است، ادامه نیت تا آخر آن نیز واجب است» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶). منظور از ادامه نیت این است که شخص در حین انجام اجزای وضو، قصد قطع نیت نداشته باشد. ایشان در مورد غفلت در حین وضو می‌فرماید: اگر شخص شروع به وضو کند سپس فراموش کرده و غافل شود به طوری که اگر از او سؤال شود چه می‌کند، متحیر بماند و نداند، عمل او بدون نیت و باطل است. اما اگر بدون این که نیت قطع کند، فقط به تردید بیفتد و سپس به نیت اول خود برگردد، وضو صحیح است (خمینی، ۱۳۸۵، ص ۳۶-۳۷).

در مذاهب اهل سنت، استدامه نیت به همین معنا معتبر است. در مذهب حنفی، نیت در اول وضو کافی است و ادامه آن در حین وضو شرط نیست (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۸). در مذهب شافعی، استدامه نیت به صورت حکمی (نه تفصیلی) شرط صحت است (زحیلی، بی‌تا، ص ۳۷۹). اما در مذهب مالکی، اگر نیت به کلی از بین برود و شخص غافل شود که در حال وضو است، وضو باطل می‌شود (زحیلی، بی‌تا، ص ۳۸۰).

۲-۲. ترتیب

با توجه به آیه وضو (مائده/۶) ترتیب در وضو از مسائل مهم اختلافی میان فقهای امامیه و مذاهب اهل سنت است. فقهای امامیه از جمله امام خمینی به لزوم ترتیب اعضای وضو قائل بوده و بر اساس روایات صحیحه، هر گونه تقدیم و تأخیری را موجب بطلان

می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۵). ایشان می‌فرمایند: ترتیب میان اعضای واجب وضو واجب است، پس اگر کسی عمداً برخی از آنها را بر برخی دیگر مقدم دارد، وضوی او باطل می‌شود (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۳؛ خمینی، ۱۴۲۲، ص ۵۶۵). در مذاهب چهارگانه اهل سنت در مورد وجوب ترتیب اختلاف است (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۳): حنفیه ترتیب را واجب نمی‌دانند؛ بلکه مستحب مؤکد می‌شمارند. اگر کسی دست را پیش از صورت بشوید یا پاها را پیش از سر مسح کند، وضو صحیح است، هر چند خلاف سنت است (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۳). اما مالکیه، شافعیه و حنابله ترتیب را واجب می‌دانند و خلل عمدی در آن را موجب بطلان وضو می‌شمارند (ابن حجر هیثمی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۸۷؛ رملی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۵؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۳-۳۸۴).

۱-۲-۲. ادله قائلین دو دیدگاه

حنفیه برای عدم وجوب ترتیب به سه دلیل استناد می‌کنند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۳؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۴): نخست اینکه حرف «واو» در آیه شریفه برای مطلق جمع است، نه برای ترتیب. اگر ترتیب مقصود بود، باید از حرف «فاء» یا «ثم» استفاده می‌شد. دوم اینکه به روایاتی از علی ابن ابی طالب علیه السلام، ابن عباس و ابن مسعود استناد می‌کنند که نقل شده است امام علی علیه السلام فرمود: «ما أبالي بأي أعضائي بدأت» (دارقطنی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۵) و ابن عباس گفت: «لا بأس بالبداية بالرجلين قبل اليدين» (دارقطنی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۵). سوم اینکه قیاس می‌کنند: همان طور که در شستن یک عضو (مثلاً دست) ترتیب بین انگشتان واجب نیست، بین اعضا نیز ترتیب واجب نیست.

از نظر امام خمینی ترتیب میان اعضای واجب وضو واجب است و اگر کسی عمداً برخی از آنها را بر برخی دیگر مقدم دارد، وضوی او باطل می‌شود (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۵۶۶). ایشان برای اثبات وجوب ترتیب در وضو، به سنت نبوی و اجماع فقها استناد می‌کند. (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۵۶۵) همچنین، روایات صحیح اهل بیت (ع) نیز مؤید این حکم هستند؛ از جمله روایت صحیح السند زراره از امام باقر (ع) که می‌فرماید: إِذَا نَسِيتَ فَعَسَلْتَ ذِرَاعَكَ قَبْلَ وَجْهِكَ فَأَعِدْ غَسْلَ وَجْهِكَ ثُمَّ اغْسِلْ ذِرَاعَيْكَ بَعْدَ الْوُجْهِ: اگر کسی از روی فراموشی بازو را پیش از صورت بشوید، باید شستن صورت را از سر بگیرد و سپس بازو را دوباره بشوید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۵). مستفاد از روایت آن است که ترتیب میان اعضا، یک حکم بعدی و الزامی است (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۵۶۸).

در نقد دیدگاه مخالفانی همچون حنفیه که به دلیل حرف «واو» در آیه، ترتیب را واجب نمی‌دانند، امام میان عمد و نسیان تفاوت قائل می‌شود. ایشان تأکید می‌کند که اگر شخص عمدی با آگاهی از لزوم ترتیب، آن را رعایت نکند، به قصد قربت او خلل وارد شده و وضویش باطل است (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۵۶۷).

در برابر استدلال قیاسی مخالفان که شستن اعضای مختلف وضو را با شستن اجزای یک دست قیاس کرده‌اند، امام با اشاره به روایات معتبر، بر این نکته تأکید می‌کند که هر یک از اعضای وضو دارای ماهیتی مستقل هستند و ترتیب میان آنها کاملاً معقول و قابل التزام است، بر خلاف اجزای یک عضو که چنین ترتیبی در آنها معنا ندارد (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۵۶۹-۵۶۸).

۲-۲-۲. صور خلل در ترتیب و احکام آن

در خصوص تقدیم و تأخیر عمدی اعضای وضو، از نظر امام چنین عملی موجب بطلان وضو است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۵). در مقابل، در میان مذاهب اهل سنت، حنفیه وضو را صحیح می‌دانند، در حالی که مالکیه، شافعیه و حنابله همانند امام خمینی قائل به بطلان وضو هستند (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۸۷؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۴).

اما در تقدیم و تأخیر سهوی، حکم متفاوت است. ازدیدگاه امام اگر شخص پیش از خشک شدن اعضا متوجه شود، می‌تواند با رعایت ترتیب صحیح، بقیه اعضا را بشوید و وضوی او صحیح است؛ اما اگر پس از خشک شدن اعضا متوجه شود، باید وضو را از سر بگیرد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶-۳۵). ایشان در حاشیه بر عروة الوثقی نیز بر همین مطلب تأکید کرده است که پس از اتمام وضو نیز تا زمانی که موالات از بین نرفته باشد، می‌توان ترتیب را اصلاح کرد (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۵۹). بنابراین، ملاک در جواز اصلاح، بقای موالات عرفی (علم خشک شدن اعضا) است و پس از خشک شدن و از بین رفتن موالات، وضو باطل شده و باید از سر گرفته شود.

در میان اهل سنت، حنفیه حتی با فاصله طولانی نیز وضو را صحیح می‌دانند (مرغینانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶). شافعیه و حنابله در صورتی که فاصله غیر متعارف نباشد، وضو را صحیح می‌شمارند، اما مالکیه در صورت فاصله طولانی (خشک شدن عضو) وضو را باطل می‌دانند (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۵).

درباره خلل ناشی از جهل یا فراموشی در ترتیب (به طور خاص در فقه حنبلی)، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقهای حنبلی معتقدند: «ترتیب با جهل و نسیان ساقط می‌شود زیرا این دو عذر هستند». در مقابل، از دیدگاه برخی دیگر: «ساقط نمی‌شود؛ چون فرض است و فرض با نسیان ساقط نمی‌گردد». برخی دیگر نظر میانه‌ای دارند: «اگر فرد جاهل قاصری (مانند کسی که در بیابان بزرگ شده باشد) ترتیب را رعایت نکند، ممکن است معذور باشد» (ابن عثیمین، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۸۹).

۲-۳. موالات

موالات یعنی پشت سر هم انجام دادن افعال وضو به گونه‌ای که در عرف فاصله محسوب نشود؛ یا شستن اعضا پیش از خشک شدن عضو قبلی، با در نظر گرفتن اعتدال مزاج، زمان، مکان و آب و هوا (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۵؛ خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۳). امام با استناد به روایت صحیح‌السند ابوبصیر از امام صادق (ع): «إِذَا تَوَضَّأْتَ بَعْضَ وُضُوءِكَ، فَعَرَضْتَ لَكَ حَاجَةً حَتَّى يَبْسَ وُضُوءُكَ فَأَعِدْ وُضُوءَكَ، فَإِنَّ الْوُضُوءَ لَا يَتَّبِعُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۳۸؛ خمینی، ۱۴۲۲، ص ۵۷۱) و تعلیل «الوضوء لا يتبع بعض» موالات را واجب می‌داند. در تفسیر روایت، ملاک موالات را خشکی اعضا و عدم تأخیر عرفی می‌داند و می‌فرماید هر دو عامل «تأخیر» و «جفاف» در بطلان دخالت دارند؛ اگر یکی وجود نداشته باشد، اعاده واجب نمی‌شود. مثلاً اگر در هوای گرم عضو پیشین خشک شود، اما عرفاً افعال پیوسته انجام شده باشد، وضو باطل نمی‌شود (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۵۷۶-۵۷۵).

در استفتای بستن شیر آب در اثنای وضو، امام می‌فرماید اگر به قدر متعارف باشد و عضو قبلی خشک نشود، اشکال ندارد و به موالات خللی وارد نمی‌کند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۴). همچنین در پاسخ به احتیاط صاحب عروه که فرمود: «اگر عضو قبل خشک شود، احتیاط استیناف است» (طباطبایی‌یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۰۴)، امام می‌فرماید: «أقوی این است که واجب نیست و وضو صحیح است» (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۵۹).

فقه‌های مذاهب در وجوب موالات اختلاف دارند: حنفیه و شافعیه موالات را سنت می‌دانند و حتی با فاصله زیاد و خشک شدن عضو، وضو را صحیح می‌شمارند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷؛ رملی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۶). اما مالکیه و حنابله موالات را واجب می‌دانند و فاصله غیرمعارف (خشک شدن عضو پیش از شستن عضو بعد) را موجب بطلان می‌شمارند (ابن عثیمین، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۱؛ مرداوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۹؛ مرغینانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۲).

۲-۳-۱. صور خلل در موالات و احکام آن

در مورد فاصله عرفی کوتاه، اگر بین شستن دو عضو فاصله کمی بیفتد (مانند بستن شیر آب برای چند ثانیه) ولی عضو قبلی خشک نشود، از منظر امام خمینی این فاصله مخّل نیست؛ زیرا ملاک صحت وضو، موالات عرفی است، نه صرفاً خشکی یا تری عضو (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۵). اما در مورد فاصله طولانی که عضو قبلی خشک گردد، وضو باطل است، مگر آنکه فاصله به دلیل معاذیر زیر باشد: اگر عرفاً افعال وضو را پی در پی انجام دهد و به علت گرمای هوا یا غیر آن، اعضای قبلی خشک شود، وضو باطل نمی‌شود؛ همچنین اگر کارهای وضو را پی در پی انجام ندهد و به علت سردی و رطوبت هوا، رطوبت اعضا باقی بماند (به‌طوری که اگر هوا معتدل بود خشک می‌شد) وضو صحیح است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶). بنابراین معیار در صحت وضو یکی از دو چیز است: یا باقی ماندن رطوبت محسوس و یا مراعات موالات عرفی. اگر از روی فراموشی، کارهای وضو را پی در پی انجام ندهد، وضویش باطل است و همچنین اگر گمان کند عضو قبلی خشک نشده و سپس معلوم شود که خشک شده بوده، وضو باطل است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶).

در مذاهب اهل سنت، حنفیه فاصله طولانی را نیز مبطل نمی‌دانند، شافعیه در صورت عدم خشکی عضو صحیح می‌دانند و در صورت خشکی احتیاط می‌کنند، و مالکیه و حنابله به محض خشک شدن عضو وضو را باطل می‌دانند (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۶-۳۸۷). در موارد عذر (فراموشی، اکراه یا ضرورت)، امام خمینی قائل به عدم بطلان است و شخص می‌تواند پس از برطرف شدن عذر، وضو را ادامه دهد، مادامی که زمان از حالت اتصال عرفی خارج نشده باشد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۵).

۲-۴. خلل در مسحات

در این بخش، دو نوع مسح وضو (سر و پا) از حیث خلل‌های احتمالی، با تأکید بر وجوب، کیفیت و مقدار، به تفکیک بررسی می‌گردد:

۲-۴-۱. مسح سر

از دیدگاه امام خمینی، هر مقدار از سر (ولو اندک) مسح شود کافی است و نیازی به استیعاب (فراگیری و پوشش کامل تمام سطح سر) نیست (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۴۵۰-۴۴۹). در مقابل، مالکیه و حنابله استیعاب کامل سر را واجب می‌شمارند (قرافی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۵۹؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۸۷) و حنفیه مقدار ناصیه (ربع سر) را با سه انگشت واجب می‌دانند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵). بر این اساس، از نظر مالکیه و حنابله، اگر شخص تنها بخشی از سر را مسح کند (مثلاً فقط ناصیه را)، این کار خلل محسوب شده و وضو باطل است، در حالی که از نظر امام خمینی و شافعیه (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸۷) چنین خللی مبطل نیست و وضو صحیح خواهد بود.

مذاهب اهل سنت در شرایط عذر (مانند سرما یا بیماری) مسح بر عمامه را جایز می‌دانند، اما امامیه مطلقاً جایز نمی‌دانند.

از دیدگاه حنفیه و شافعیه و مالکیه مسح بر عمامه در صورت داشتن عذر جایز است، اما بدون عذر جایز نیست. حنابله مسح بر عمامه را حتی بدون عذر جایز می‌دانند به شرط آنکه مقداری از عمامه زیر چانه باشد (رملی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۴؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۵۷). در مقابل، امامیه به استناد آیهی «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ» معتقدند مسح باید بر خود سر واقع شود (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷). بنابراین مسح بر عمامه در هیچ حال جایز نیست، زیرا عمامه جزء سر محسوب نمی‌شود.

۲-۴-۲. خلل در مسح پا

امام خمینی به استناد قرائت جر «أَرْجُلُكُمْ» و روایات اهل بیت، مسح پا را واجب می‌داند و غسل را جایز نمی‌شمارد (خمینی، ۱۴۱۲، ص ۴۹۵-۴۹۳). از منظر ادبی، در قرائت جر، کلمه «أَرْجُلُ» معطوف بر «رُءُوسِ» شده و در نتیجه حکم مسح برای پاها نیز ثابت می‌گردد. اما در قرائت نصب «أَرْجُلُكُمْ»، این کلمه معطوف بر «وُجُوه» و «أَيْدِی» شده و غسل برای پاها نیز لازم می‌آید (ابراهیمی فخاری، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵-۱۱۰؛ رجایی، ۱۴۰۴، ص ۵۵-۵۰).

اما مذاهب چهارگانه اهل سنت همگی به استناد قرائت نصب «أَرْجُلُكُمْ» غسل پا را واجب می‌دانند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۶؛ قرافی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۶۸؛ رملی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۵؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۸۸). بنابراین، از نظر جمهور اهل سنت، اگر شخصی به جای غسل، پا را مسح کند، این عمل خلل محسوب شده و وضوی او باطل است، در حالی که از نظر امام خمینی خود مسح پا، وضوی صحیح و کامل است و خللی در کار نیست.

در تعریف کعبین نیز اختلاف نظر وجود دارد. امام خمینی کعب را قیای پا (برآمدگی وسط پا) می‌داند (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۵۱۵). اما حنفیه و حنابله آن را عظم ناتئی در پایین ساق تعریف می‌کنند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۷؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۸۸) و مالکیه و شافعیه آن را مفصل میان ساق و پا می‌شمارند (قرافی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۶۸؛ رملی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۵). این اختلاف در تحدید محل موجب می‌شود که در مذاهب چهارگانه اهل سنت، ترک شستن یا مسح بخشی از پا خلل و مبطل شمرده شود، در حالی که در فقه شیعه همان مقدار داخل در حد واجب نبوده و خللی به شمار نمی‌آید.

۲-۵. خلل در حائل و مانع

بر اساس فتوای امام خمینی، وجود هرگونه حائل (پاک یا نجس) بر اعضای وضو که مانع رسیدن آب به پوست گردد، موجب بطلان وضو است؛ زیرا آب باید مستقیماً به بشره برسد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶). در مذاهب اهل سنت نیز همین اصل پذیرفته شده و هر چیزی که مانع رسیدن آب به پوست شود، باید پیش از وضو برطرف گردد (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۱). مصادیق عینی: با وجود تفاوت‌های جزئی میان مذاهب در مواردی مانند لاک ناخن، خاتم تنگ و وسخ زیر ناخن (شافعیه و مالکیه در لاک سخت گیرترند؛ مالکیه در خاتم قائل به وجوب حرکت دادن نیست)، اصل کلی در همه مذاهب، لزوم رفع مانع از رسیدن آب به پوست است (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۲). در حکم وسخ زیر ناخن، امام خمینی قائل به تفصیل میان کم و زیاد است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷) و مذاهب اهل سنت نیز چنین رویکردی دارند، هرچند مالکیه حتی در وسخ کم نیز تخلیل را لازم می‌دانند (مرداوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۸؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۲).

حکم وجوب رفع حائل به اعضای مسح (سر و پا) نیز تسری دارد؛ از دیدگاه امام خمینی مسح با وجود حائل محقق نمی‌شود، مانند ژل مو و اسپری که باید پیش از مسح برداشته شوند (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۴۹). موارد معفو: حائل بسیار ناچیز (مانند گرد و

غبار عادی) و حائل ناشی از ضرورت (جبیره) از حکم بطلان مستثنا هستند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷). در صورت شک در وجود حائل یا زدوده شدن آن، «قاعده فراغ» جاری می‌شود (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷).

۶-۲. خلل در شرایط آب

شرایط آب برای صحت وضو از مهم‌ترین مباحث فقهی است؛ چرا که هرگونه خلل در این شرایط می‌تواند موجب بطلان وضو گردد. در این بخش، دو دسته از خلل‌های مرتبط با آب بررسی می‌شود: نخست، تغییرات عارض بر آب که موجب خروج آن از حالت طهوریت می‌شود؛ و دوم، مسائل مربوط به غصبی یا مشکوک بودن آب.

۱-۶-۲. خلل ناشی از تغییر و تبدیل آب

یکی از مهم‌ترین شروط صحت وضو، «طهوریت» آب است؛ یعنی آب باید در ذات خود پاک و پاک‌کننده باشد. از نظر امام خمینی اگر آب چنان تغییر کند که از صدق عنوان مطلق خارج شود، وضو با آن باطل است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲-۳۳). در صورت اشتباه آب مضاف (مانند گلاب، آب میوه، عصاره‌ها) با آب مطلق، مکلف باید احتیاط کند و وضو را به گونه‌ای تکرار نماید که بداند با آب مطلق وضو گرفته است؛ عدد این وضوها باید یک عدد بیشتر از شماره آب مضاف معین باشد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲). همچنین وضو با آب نجس یا آب مضاف، حتی با جهل یا نسیان، باطل است و نماز خوانده شده با آن باید اعاده شود (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۱). بنابراین «جهل» و «فرااموشی» در مورد مطلق بودن و پاک بودن آب، عذر محسوب نمی‌شود و خلل در این دو شرط، مطلقاً مبطل است.

در فقه مذاهب اهل سنت نیز این اصل تأکید شده است. حنفیه تصریح دارند وضو باید با آب مطلق انجام شود و آب مضاف در صورت زوال اسم آب، کافی نیست (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴). تغییرات آب به دو دسته تقسیم می‌شود: تغییر به واسطه طاهر که اگر به حد سلب اسم آب برسد، باطل است؛ و تغییر به واسطه نجاست که در هر میزان، آب را از طهوریت خارج می‌کند (زحیلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۷). در مذهب حنفی، معیار خروج از طهوریت، «غلبه» است؛ اگر چیزی با آب مخلوط شود و بر آب غلبه کند، آب مضاف شده و وضو باطل است (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴-۵). در مذهب شافعی و حنبلی نیز اصل مشابه است و آب باید بر صفت اصلی خود باقی باشد (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ مرداوی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۴). بنابراین تغییر آب به عنوان خلل اساسی در شرایط وضو، در همه مذاهب مبطل است و تنها در تشخیص حد تغییر (غلبه یا عدم آن) اختلافاتی وجود دارد.

۲-۶-۲. خلل ناشی از غصبی یا مشکوک بودن آب

دومین دسته از خلل‌های مرتبط با شرایط آب، به «غصبی بودن» آب یا ظرف و «مشکوک بودن» آن از حیث مطلق یا مضاف بودن بازمی‌گردد.

امام خمینی در مورد آب مضاف مشتبّه به آب مطلق می‌فرماید: اگر جز آب مضاف یا مشکوک، آب دیگری در دسترس نباشد و حالت قبلی آب معلوم نباشد، مکلف باید احتیاط کرده و هم وضو بگیرد و هم تیمم نماید (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲). در مورد آب غصبی یا ظرف غصبی و طلا و نقره، قائل به تفصیل است: اگر آب وضو در ظرف غصبی باشد و آب دیگری نباشد، مکلف تیمم کند و وضو باطل است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۱)؛ اما اگر آب دیگری داشته باشد، در صورت وضوی ارتماسی یا ریختن

آب با آن ظرف، وضو باطل است؛ ولی اگر با کف دست آب بردارد و به صورت و دستان بریزد، وضو صحیح است، هرچند از جهت تصرف در ظرف غصب، حرام مرتکب شده است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۱ و ۳۳). همچنین اگر آب غصبی باشد و مکلف از غصبی بودن آن جاهل یا ناسی باشد، وضوی او صحیح است، بر خلاف نجاست و مضاف بودن که جاهل و نسیان در آنها عذر نیست (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۳). این تفکیک نشان می‌دهد غصبی بودن از سنخ احکام تکلیفی (حرمت) است نه وضعی (بطلان)؛ بنابراین خلل در آن با جاهل یا فراموشی، موجب بطلان نمی‌شود.

در فقه مذاهب اهل سنت، در مورد آب مضاف مشتبّه، حنفیه قائل به احتیاط هستند اما قاعده «تکرار وضو به عدد آب مضاف» را ندارند و بر «اجتهاد در تشخیص» تأکید دارند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴-۵). شافعی و حنبلی اصل را بر «طهارت اصاله» می‌نهند مگر یقین به نجاست یا مضاف بودن حاصل شود (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۸۶؛ مرداوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۴). در فقه اهل سنت، احتیاط در موارد مشکوک اصل اخلاقی است، اما قاعده «تکرار وضو به عدد آب مضاف» دیده نمی‌شود. درباره غصب، حنفیه، شافعی و حنابلّه آب غصبی را حرام و وضو با آن را باطل می‌دانند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۵؛ ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۲۴۳؛ مرداوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۴)، اما در صورت جاهل یا فراموشی، در مذهب حنفی حکم به صحت می‌شود (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۵). در مسأله «ظرف طلا و نقره»، امام خمینی بنابر احتیاط واجب، وضو از آن را مانند ظرف غصبی می‌داند و تفصیل مذکور را جاری می‌کند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۴).

۲-۷. خلل ناشی از جراحت و بیماری (جیره)

جیره در اصطلاح فقه به هر پانسمانی که بر زخم یا شکستگی بسته می‌شود اطلاق می‌گردد. مهم‌ترین دلیل روایی، روایت عبدالأعلی از امام صادق علیه السلام است که از روایات صحیح السند و معتبر در منابع فقهی شیعه است: کسی که دست یا پایش شکسته، بر جبائر مسح می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۶۶). مطابق قاعده میسور (که در مبانی نظری تبیین شد)، در موارد جراحت و بیماری که شستن عضو ممکن نیست، مسح بر جیره جایگزین می‌شود و در صورت تعمیم به همه اعضا، تیمم جایگزین وضو می‌گردد.

در تطبیق با مذاهب اهل سنت، هر چهار مذهب بر جواز مسح بر جیره اتفاق نظر دارند (جزیری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۳۵). اما در کیفیت اختلاف است: حنفیه و حنابلّه و شافعیه هرکدام نظری دارند و مالکیه معتقدند اگر جیره بخش اعظم عضو را پوشانده، مسح بر تمام عضو کافی است. در وجوب شستن اطراف سالم، همه مذاهب با امام خمینی اتفاق نظر دارند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۲-۴۳؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۱؛ رملی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۵؛ مرداوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۴). در مذهب حنفی، مسح بر جیره به طور کلی جایز شمرده می‌شود (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۲).

۲-۷. اضطراب ناشی از فقدان آب

فقدان آب و یا ناکافی بودن آن برای وضو، از موجبات انتقال به بدل (تیمم) است، نه از مصادیق خلل در خود وضو. به بیان دیگر، در این موارد خود وضو موضوعاً منتفی می‌شود و طهارت از طریق بدل شرعی آن یعنی تیمم حاصل می‌گردد. از این رو، در صورت فقدان کامل آب، کفایت نکردن آب موجود، یا خوف ضرر از استعمال آب، تیمم جایگزین وضو می‌شود. امام خمینی در پاسخ به

استفتایی در شرایط جنگی می‌فرماید: تیمم بدل از وضو مجزی است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۴۹). کیفیت تیمم از دیدگاه ایشان دو ضربه است: یک ضربه بر صورت و یک ضربه بر پشت دست‌ها (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۳).

در مذاهب اهل سنت نیز تیمم جایز است، هر چند در کیفیت اختلاف دارند: حنفی یک ضربه بر صورت و دست‌ها تا آرنج کافی می‌داند، در حالی که شافعی و حنبلی همانند امام خمینی قائل به دو ضربه هستند (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۸-۳۹۵).

در شرایط جنگی که دسترسی به آب ممکن نباشد یا استفاده از آن خطرناک باشد، همان حکم تیمم جاری می‌شود. افزون بر این، امام خمینی تصریح می‌کند که در شرایط جنگی، طهارت لباس شرط صحت نماز نیست (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۵۱-۴۹).

در مذاهب اهل سنت در اضطرار جنگی، نماز با لباس نجس جایز است (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۰).

۲-۸. احکام وضوی معذوران

بیماران مبتلا به سلس البول (عدم توانایی کنترل ادرار) یا استحاضه در فقه «معذور» محسوب می‌شوند. امام خمینی می‌فرماید این افراد برای هر نماز وضوی مجدد می‌گیرند و حدثی که در اثنای نماز از آنها سر می‌زند، ضرر ندارد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۴).

فقه‌های مذاهب اربعه نیز قائل به تخفیف برای این دسته از بیماران هستند، اما در جزئیات اختلاف نظر دارند. از دیدگاه حنفیه شخص مبتلا به سلس البول با یک وضو می‌تواند چند نماز را بخواند، مگر اینکه حدثی غیر از بول (مانند خارج شدن منی) از او سر بزند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۸-۳۹). در مقابل، شافعی و حنبله همانند امام خمینی برای هر نماز وضوی مجدد را لازم می‌دانند و استمرار خروج بول را در اثنای نماز مانع نمی‌شمارند (نووی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۹؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۴). مالکیه قائل به تفصیل شده‌اند: اگر تمام وقت نماز را به خود مشغول باشد، یک وضو برای چند نماز کافی است؛ اما اگر در بخشی از وقت، نماز را به تأخیر اندازد، باید برای هر نماز وضوی تازه بگیرد (ابن رشد، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۳-۳۲).

در مورد استحاضه نیز امام خمینی خون استحاضه را ناقض وضو می‌داند (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۲۶۲ و ۴۳۶) و برای هر نماز وضوی جدید لازم می‌شمارد. حنفیه با یک وضو چند نماز را جایز می‌دانند؛ شافعی و حنبله مانند امام خمینی برای هر نماز وضوی جدید لازم می‌دانند؛ مالکیه در صورت استیجاب وقت، یک وضو را کافی می‌شمارند (زحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۹-۳۸۸).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که امام خمینی با تأکید بر قواعد میسور، فراغ و تجاوز، قائل به تفصیل میان خلل عمدی (مبطل)، سهوی و جهل قصور (قابل جبران یا معفو) است. در مقابل، مذاهب اهل سنت دیدگاه‌های گوناگونی دارند: در نیت، مشهور امامیه و سه مذهب (جز حنفی) آن را شرط صحت می‌دانند. در ترتیب، امام خمینی، مالکیه، شافعی و حنبله قائل به وجوب و حنفیه قائل به استحباب هستند. در موالات، امام خمینی، مالکیه و حنبله واجب و شافعی و حنفیه مستحب می‌دانند. در جیره، همه مذاهب بر جواز مسح اتفاق دارند. در تقیه، امام خمینی وضوی تقیه‌ای را صحیح و مجزی می‌داند، در حالی که در فقه اهل سنت کاربرد گسترده‌ای ندارد. در قواعد فراغ و تجاوز، مذهب حنبلی نزدیک‌ترین دیدگاه را به امامیه دارد.

نقاط اشتراک اصلی عبارت است از: وجوب نیت در غیر مذهب حنفی، حرمت ریا، لزوم رفع حائل، جواز مسح بر جیره، جریان قاعده میسور در موارد نقص عضو یا کمبود آب، و عدم اعتنا به شک و سواسی. نقاط افتراق عمدتاً در ترتیب، موالات، عدول از

نیت، مسح بر عمامه و جبیره، و به‌ویژه تقیه و مسح بر خفّین نمود دارد. اختلاف در کیفیت وضو (مسح بر عمامه، مقدار مسح سر، وجوب مسح یا غسل پا، و تعریف کعبین) مبنای اصلی تفاوت در تشخیص «خلل» میان فریقین است. از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش، نشان دادن انعطاف‌پذیری فقه امامیه در به‌کارگیری قواعد ثانویه برای تثبیت صحت وضو در موارد عذر، اضطرار، جهل و سهو است. در مقابل، فقه اهل سنت رویکردی بیشتر مبتنی بر اطلاق ادله اولیه دارد. تبیین تطبیقی احکام خلل در وضو، افزون بر روشن‌سازی فتاوا، به کاهش وسواس عملی و ایجاد وحدت رویه کمک کرده و اشتراکات فقهی گسترده، بستر مناسبی برای تقریب مذاهب اسلامی فراهم می‌آورد.

بر اساس یافته‌ها، نظریه‌ای در فقه تطبیقی وضو قابل ارائه است که بر اساس آن، قاعده میسور اگرچه در فقه امامیه و اهل سنت پذیرفته شده، اما کاربرد آن در دو حوزه متفاوت است: در خلل وضو به تصحیح عمل ناقص می‌انجامد و در خلل طهارت موجب انتقال به تیمم می‌شود. همچنین در مسئله تقیه، تفاوت اساسی در این است که در فقه امامیه تقیه به‌عنوان اصل فقهی در عبادات جاری است، در حالی که در فقه اهل سنت بیشتر در حوزه اعتقادات و حفظ جان مطرح است. این نظریه می‌تواند مبنایی برای بازخوانی احکام خلل در وضو در شرایط خاص و تقریب میان مذاهب اسلامی فراهم آورد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن ابطال، علی بن خلف. (۱۴۲۳ق). شرح صحیح البخاری. ریاض: مکتبة الرشد.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (بی‌تا). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: دار المعرفه.
- ابن رشد، محمد بن احمد. (۱۴۲۵ق). بدایة المجتهد و نهاية المقتصد. بیروت: دارالفکر.
- ابن عثیمین، محمد بن صالح. (۱۴۲۸ق). الشرح الممتع علی زاد المستقبح. دار ابن الجوزی.
- ابن قدامه، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۸۸ق). المغنی. قاهره: مکتبة القاهرة.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابراهیمی فخاری، آزاده و دیگران (۱۳۹۸ش). بررسی تطبیقی معنای «إلی» در آیه وضو از دیدگاه فریقین. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۰(۳۸)، ۱۳۲-۱۰۷.

<https://doi.org/10.22054/rjqk.2020.10555>

افضلی قادی، فرحناز. (۱۴۰۱ش). واکاوی خلل در نیت نماز و نسبت آن با قاعده التعداد با رویکردی بر نظرات امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۲۴(۹۴)، ۵۶-۳۱.

https://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_150933.html

آل بورنو، محمد صدقی. (۱۴۲۴ق). موسوعة القواعد الفقهية. بیروت: مؤسسة الرسالة.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵ش). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۱ش). رساله توضیح المسائل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، روح الله. (۱۳۸۴ش). الخلل فی الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله. (۱۳۹۲ش). استفتانات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله. (۱۴۱۸). تنقیح الأصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله. (۱۴۲۰ق). الرسائل العشر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله. (۱۴۲۲ق). کتاب الطهارة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله. (۱۴۳۴ق). حاشیه بر العروة الوثقی. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامی.
- جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۲۴ق). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). تاج اللغة و الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
- جونی، عبدالملک بن عبدالله. (۱۴۲۸ق). نهاية المطلب فی درایة المذهب. بیروت: دار المنهاج.
- حازمی، احمد بن عمر بن مسعود. (بی تا). شرح القواعد والأصول الجامعه والفروق والتقسیم البدیعه النافعه. سایت: <https://lib.efatwa.ir/۰/۶/۴۷۳۵۰>
- حسینی، حمید. (۱۳۸۸ش). وضو از دیدگاه مذاهب اسلامی. ماهنامه سفینه، ۵(۱۷)، ۱۵-۶.
- <http://noo.rs/۶L۳ug>
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). مصباح الفقیه. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دارقطنی، علی بن عمر. (بی تا). سنن الدارقطنی. بیروت: دارالمعرفه.
- رجائی، فاطمه. (۱۴۰۴ش). نقد و بررسی نظرات تفسیری - فقهی پیرامون آیه وضو در مذاهب خمس. مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ۱(۲۴)، ۴۵-۶۵.
- https://pg-h.journals.miu.ac.ir/article_۱۰۷۵۶.html
- رضوان طلب، محمد رضا. (۱۳۸۸ش). بررسی تطبیقی آیین وضو. فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۲(۱)، ۸۹-۱۰۶.
- https://jffil.ut.ac.ir/article_۲۰۹۰۲.html
- رملی، شمس الدین محمد بن ابی العباس. (۱۴۰۴ق). نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج. بیروت: دار الفکر.
- روحانی، عباسعلی و علیزاده، نگار. (۱۳۹۶ش). الخلل فی الغسل با رویکردی بر آرای امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۱۹(۷۵)، ۱۱۱-۱۲۸.
- https://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_۵۱۲۲۸.html
- زحیلی، وهبه. (بی تا). الفقه الإسلامی وأدلته. دمشق: دارالفکر.
- زحیلی، محمد مصطفی. (۱۴۲۷ق). القواعد الفقهیه وتطبيقاتها فی المذاهب الأربعة. دمشق: دارالفکر.

- زرقا، أحمد بن الشيخ محمد. (١٤٠٩ق). شرح القواعد الفقهية. دمشق: دار القلم.
- زيلعي، عثمان بن علي. (١٣١٣ق). تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي. القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية.
- سبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقى الدين. (١٤١١ق). الأشباه و النظائر. بيروت: دار الكتب العلمية.
- سرخسی، شمس الأئمة محمد بن أحمد. (بی تا). المبسوط. بيروت: دار المعرفه.
- طباطبائي يزدي، محمد كاظم. (١٤٢١ق). العروة الوثقى. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- طبري، محمد بن جریر. (١٤٠٥ق). جامع البيان عن تأويل آي القرآن. بيروت: دار الفكر.
- عینی، بدرالدین محمود بن احمد. (١٤٢٠ق). البناية شرح الهداية. بيروت: دار الكتب العلمية.
- فلاح زاده، محمد حسين. (١٣٨٦ش). احكام دين: مطابق با فتاوى مراجع بزرگ تقليد. تهران: مشعر.
- فاضل لنكراني، محمد جواد. (١٣٨٨ش). قاعده فراغ و تجاوز. قم: مركز فقهی ائمه اطهار.
- فاضل لنكراني، محمد جواد. (١٣٩٦ش). قاعده میسور. قم: مركز فقهی ائمه اطهار.
- قزافي، شهاب الدين احمد بن ادریس. (١٤١٤ق). الذخيره. بيروت: دار الغرب الإسلامي.
- كاساني الحنفي، علاء الدين ابوبكر بن مسعود. (١٤٠٦ق). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. بيروت: دار الكتب العلمية.
- كرباسی، علی. (١٣٨٢ش). المشكاة. تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (١٤٠٧ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مرغینانی، برهان الدين. (١٤٢٠ق). الهداية شرح بداية المبتدى. القاهرة: دارالکتب العلمیه.
- مصطفوی، حسن. (١٤٠٢ق). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: مركز الكتاب للترجمة و النشر.
- مصطفوی، سيد محمد كاظم. (١٤١٧ق). مائة قاعدة فقهية. قم: مؤسسه النشر الإسلامي.
- مكارم شیرازی، ناصر. (١٤١١ق). القواعد الفقهية. قم: مدرسه امام اميرالمؤمنين (ع).
- موسوی بجنوردی، حسن. (١٣٧٧ش). القواعد الفقهية. قم: الهادي.
- میری، غلامحسن. (١٣٩٧ش). بررسی تطبیقی آیه وضو از نگاه فریقین. دوفصلنامه گفتن و شنیدن، ٩(١٥)، ١١٠-١٢٣.
- <http://noo.rs/tMOAW>
- نووی، یحیی بن شرف. (١٣٧٤ق). المجموع شرح المذهب. جده: مكتبة الارشاد.
- نووی، یحیی بن شرف. (١٣٩٢ق). شرح النووی علی صحیح مسلم. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (١٣٨٢ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.